



دانشگاه پیام نور

واحد شهریار

عنوان تحقیق:

اخلاق پزشکی

استاد:

سرکار خانم دکتر خدارحمی

دانشجو:

اکرم پروان

۸۳۶۱۰۳۳۰۸۶

سال ۸۶

اخلاق پزشکی

مقدمه

مکارم اخلاقی وجه امتیاز و شرافت انسان است. ارزش هر انسان بستگی به انصاف و آراستگی او به سجایا و اخلاق حسنه دارد. هدف و فلسفه بعثت پیامبران الهی نیز تکامل اخلاقی بشری بوده است. حاکمیت اخلاق کریمه در جوامع انسانی نیز نشانه تعالی و تمدن واقعی آن جامعه تلقی می‌شود.

پیشرفتهای علمی بشری زمانی برای نوع بشر مفید و ثمربخش است که از پشتوانه اخلاقی برخوردار باشد. علم و تخصص بدون بهره‌مندی از اخلاقیات پاسنگوی نیازهای فطری بشر نبوده و گاهی نقض غرض است، زیرا هر نوع پیشرفت باید دارای جهت و هدف باشد و اخلاق به پیشرفت علمی جهت و هدف می‌بخشد. پیشرفت علمی عاری از مکارم و سجایای اخلاقی حرکت در تاریکی است. *«اخلاق چراغ هدایت هر حرکت محسوب می‌شود.»*

اخلاق در پزشکی

در عرصه پزشکی نیز این حکم صادق است و اساساً حرکت طب بر محور اخلاق بوده و پایه‌های آن بر مبانی اخلاقی استوار است. کوشش برای نجات جان انسانها و اعاده حیات و سلامت به آنان و درمان بیماریها و تشقی و تسکین آلام دردمندان و تلاش در بقای نسل و سالم سازی محیط انسانی خود از ارزشهای اخلاقی است.

اگر تکاپو و مساعی متصدیان امور پزشکی برای دستیابی و نیل به اهداف مقدس فوق باشد، خدمات ارزنده آنان جنبه عبادی به خود می‌گیرد و زیباترین کمالات اخلاقی به منصفه ظهور می‌رسد، زیرا عالی‌ترین تظاهر عواطف بشری، چون تعهد، علم و تخصص، فداکاری و ایثار، نجات، التیام و آرام بخشی و عشق و دلسوزی در این نوع خدمات پزشکی متبلور است.

جلوه‌گاه اخلاق در منظر پزشکی

جلوه‌گاه این کرامت اخلاقی در دنیای پزشکی در مرحله حساس و سرنوشت‌ساز برخورد پزشک با بیمار است. هر قدر این برخورد انسانی، اخلاقی، عاطفی و صمیمانه، شکوهمند و شرافتمندانه و احترام آمیز باشد، حصول آرمانهای مقدس پزشکی و امنیت روانی و جسمی بیمار و رضایت خاطر او و اطرافیانش قطعی‌تر خواهد بود.

عواقب عدم مراعات جنبه‌های اخلاقی

ممکن است پزشک از دیدگاه علمی و فنی به وظیفه خود عمل و حتی بیمار را معالجه نماید. لیکن عدم مراعات جنبه‌های اخلاقی و انسانی در برخورد با بیمار او را از هدف عالی پزشکی دور کند و کوچکترین غفلت، مسامحه و لغزش از موازین اخلاقی و وجدانی و بی‌حرمتی نسبت به شخصیت بیمار و اطرفیان او سبب عدم امنیت خاطر، دل‌شکستگی، آشفتگی و تکدر روحی بیمار و سلب اعتماد او از پزشک معالج گردد. به نظر می‌رسد این مهم، یعنی نحوه برخورد پزشکان با بیماران، می‌بایست سرلوحه

خدمات پزشکی قرار گیرد تا از رهگذر این اصول به اهداف متعالی پزشکی که نجات جان و مداوا و حفظ حیات و سلامت آنان و ایجاد امنیت جسمی و روانی افراد جامعه و جلب رضایت مردم و لازمه رضایت خالق است، محقق گردد .

نگاهی به تاریخچه اخلاق پزشکی

اخلاق پزشکی به واسطه گستردگی دانش و طولانی بودن از تاریخ کهنی برخوردار است. در این مقاله که در دو قسمت منتشر می شود نگاهی به تاریخ اخلاق پزشکی از زمان "سوگند نامه بقراط" تا گسترش پزشکی پس از ظهور اسلام خواهیم داشت.

تاریخچه اخلاق پزشکی در دنیا تاریخچه ای طولانی با سابقه بیش از ۲۵۰۰ سال دارد. در قرون قبل از میلاد مسیح (ع) (فرهنگ یونانی و رومی که تحت تاثیر فرهنگ ایرانیان و تمدن شرق بود در غرب گسترش داشت. در آن دوران به دلیل عدم گستردگی علوم زمان، پزشکان معمولاً فلسفه را نیز فرا می گرفتند. لذا تاریخچه اخلاق پزشکی با تاریخچه فلسفه در قرون قبل پیوند خورده است. اما اخلاق پزشکی بیش از همه با اندیشه ها و تفکرات فلاسفه بزرگی چون سقراط (۳۹۹ - 470 ق.م) افلاطون (۳۴۷ - ۴۲۷ ق.م) و ارسطو (۳۲۲ - ۳۴۸ ق.م) در قرون چهارم و پنجم قبل از میلاد پیوند نزدیکی داشته است. این متفکران یونانی علم اخلاق را در کنار علم پزشکی فرا گرفته بودند و آن را به عنوان "هنر زیستن" و "مراقبت و مواظبت از نفس" توصیف می نمودند و از سوی دیگر "عقل سالم را در بدن سالم" می دانستند. کلیات فلسفه اخلاقی سقراط، افلاطون و ارسطو در مباحث فلسفه اخلاق بیان گردیده است. در همان دوران، بقراط (۴۵۰ - ۳۸۰ ق.م) که او را پدر علم طب نیز نامیده اند. سوگند نامه معروف خود را تنظیم نمود. بقراط اولین کسی بود که مبانی اخلاقی را در قابل قسم نامه با طبابت در آمیخت، و به عبارتی، بزرگترین سهم بقراط در زمینه پزشکی، اعتقاد او به اصول اخلاقی بود که سوگند نامه معروفش

تیلور آن است. سوگند نامه بقراط قدیمی ترین قوانین اخلاق پزشکی را در متن خود دارد و هنوز هم در بسیاری از کشورهای جهان به عنوان تعهد نامه پزشکان هنگام اتمام دوره تحصیل قرائت می شود. البته قبل از بقراط نیز برخی مقررات وجود داشته از جمله قوانین حمورابی که در آن به مجازات پزشکان خطا کار اشاره شده است. اما جنبه های اخلاقی را مطرح ننموده است. سوگند نامه بقراط در حقیقت به منزله یک تعهد نامه اخلاقی برای قبول و به کار بستن اصول اخلاقی حرفه پزشکی است .



متن سوگند بقراط

"من به آپولون، پزشک آسکلیپوس، هیژیا و پاناکیا سوگند یاد میکنم و تمام خدایان و الهه ها را گوه می گیریم که در حدود قدرت و بر حسب قضاوت خود مفاد این سوگند نامه و تعهد کتبی را اجرا نمایم. من سوگند یاد می کنم که شخصی را که به من حرفه پزشکی خواهد آموخت مانند والدین خود فرض کنم و در صورتی که محتاج باشد درآمد خود را با وی تقسیم کنم و احتیاجات وی را مرتفع سازم .پسرانش را مانند برادران خود بدانم و در صورتی که بخواهند به تحصیل پزشکی بپردازند بدون مزد یا قراردادی حرفه پزشکی را به آنها بیاموزم. اصول دستوره های کلی، دروس شفاهی و تمام معلومات پزشکی را جز پسران خود، پسران استادم شاگردانی که طبق قانون پزشکی پذیرفته شده

و سوگند یاد کرده اند به دیگری نیاموزم. پرهیز غذایی را بر حسب توانایی و قضاوت خود به نفع بیماران تجویز خواهم کرد نه برای ضرر و زیان آنها و به خواهش اشخاص به هیچ کس داروی کشنده نخواهم داد و مبتکر تلقین چنین فکری نخواهم بود. همچنین وسیله سقط جنین در اختیار هیچ یک از زنان نخواهم گذاشت. با پرهیزگاری و تقدس زندگی و حرفه خود را نجات خواهم داد. بیماران سنگ دار را عمل نخواهم کرد و این عمل را به اهل فن واگذار خواهم نمود. در هر خانه ای که باید داخل شوم برای مفید بودن به حال بیماران وارد خواهم شد و از هر کار زشت ارادی و آلوده کننده به خصوص اعمال ناهنجار و با زنان و مردان خواه آزاد و خواه برده باشند اجتناب خواهم کرد. آنچه در حین انجام دادن حرفه خود و حتی خارج از آن درباره زندگی مردم خواهم دید یا خواهم شنید که نباید فاش شود به هیچ کس نخواهم گفت زیرا این قبیل مطالب را باید به گنجینه اسرار سپرد. اگر تمام این سوگند نامه را اجرا کنم و به آن افتخار کنم از ثمرات زندگی و حرفه خود برخوردار شوم و همیشه بین مردان مفتخر و سربلند باشم، ولی اگر آن را نقص کنم و به سوگند عمل نکنم از ثمرات زندگی و حرفه خود بهره نبرم و همیشه بین مردان سرافکنده و شرمسار باشم. "

(اعلامیه ژنو که پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۸ توسط انجمن پزشکی جهانی (WMA) تهیه گردید در حقیقت سوگند نامه روزآمد شده بقراط است).

پس از میلاد مسیح (ع) برخی اخلاقیون مسیحی از جمله آکونیاس، در قرون سوم و چهارم پس از میلاد، فلسفه اخلاق دینی را در مقابل حکمت رواقی که فلسفه ای مادی گرایانه (قرون سوم ق.م تا قرن سوم ب.م) بود بیان و تدوین نمودند. اخلاق فلسفی مبتنی

بر مسیحیت در جهان غرب تا اوایل عصر جدید فرهنگ مغرب زمین را تحت سیطره داشت. قرون ۱۷ و ۱۸ بعد از میلاد تقریباً دوران گذر از قرون وسطی به عصر جدید پیشرفت های علمی بشر در جهان غرب محسوب می شود. در این دوران هیوم- (1711) (1776)، کانت (۱۷۲۴ - ۱۸۰۴) بنتام (۱۷۴۸ - ۱۸۳۲) مهم ترین نظریات تاثیر گذار بر اخلاق پزشکی را در غرب ارائه نمودند. سپس، میل (۱۸۰۶ - ۱۸۷۳) و مور (۱۸۷۳ - 1958) در دهه های بعد به بیان دیدگاههای فلسفی خود در حیطه اخلاق پرداختند که در موضوع اخلاق پزشکی نیز تاثیراتی داشته است. اما قرن نوزدهم و سپس قرن بیستم همزمان بود با علمی شدن طب که تغییر و تحولات عمیقی را در اخلاق پزشکی در پی داشته است .

در این دوران گسترش دانش طب، ایجاد تکنولوژی های نوین و پیدایش موضوعات اخلاقی جدید باعث ایجاد تحولاتی ضروری در اخلاق پزشکی سنتی گردید. اخلاق پزشکی سنتی طی دهه های اخیر همانگونه که در مبحث آموزشی و اخلاق پزشکی بیان شد، با اخلاق پزشکی کاربردی نوین جایگزین گردیده است. در حال حاضر در بسیاری از کشورهای جهان اخلاق پزشکی نوین به صورت علمی و عملی با شیوه های جدید مبتنی بر حل مساله مطرح و به درجات متفاوت فعال می باشد. در برخی کشورهای غربی و اروپایی طی سه دهه اخیر کمیته های بالینی اخلاق پزشکی (CECS) با سیر رو به رشدی تشکیل شده و به فعالیت پرداخته اند. این کمیته ها به طور موثر و مطلوبی بر الگوی مراقبت ها تاثیر گذار هستند و عملکرد آنها شامل شکل دهی سیاست بیمارستان

در موضوعات و مسائل اخلاقی - قانونی نظارت بر مشاوره های فردی در موارد بالینی خاص و مشکل و سازماندهی تعلیم و تربیت متخصصین امر اخلاق پزشکی می باشد .

از سوی دیگر ، ایجاد برخی معضلات و نابسامانی ها در گستره اخلاق پزشکی طی پنج دهه اخیر به وضع قوانین و آیین نامه های اخلاق پزشکی به صورت بین المللی منطقه ای یا ملی منجر گردیده است. کمیته های اخلاق پزشکی در امر نظارت بر اجرای مطلوب این قوانین می توانند نقش ویژه ای داشته باشند.

تاریخچه اخلاق پزشکی در ایران

اخلاق پزشکی در ایران باستان

طب و اخلاق پزشکی در بین ایرانیان از قدمتی طولانی برخوردار است. سابقه پزشکی در ایران طبق برخی منابع مربوط به دوران قبل از بقراط می باشد که از اخلاق پزشکی پارسیان در آن دوران با اصطلاح "مدرن" یاد گردیده است. ایران هم به لحاظ دانش و هم به لحاظ دارا بودن طبیبان حاذق زبانزد بوده است. علاوه بر استعدادی که درخور ایرانیان وجود داشته است دستیابی به ترقیات پزشکی آشوریان، بابلیان و یونانیان طی قرون متمادی نیز نقش عمده ای در پیشرفت پزشکی در ایران باستان داشته است. از قدیمی ترین روزگاران امر طبابت در ایران با دیانت توأم بوده است. طب باستانی ایرانی با آیین زرتشت و تعلیمات اوستا پیوند جدایی ناپذیری داشته است. به طور کلی پزشکان از طبقه روحانیون که عالی ترین طبقه از طبقات چهارگانه (روحانیون-سربازان - کشاورزان و صنعتگران) بودند انتخاب می شدند. این طبقه رشته الهیات و طب را همزمان

تحصیل می نمودند و بعد از اتمام مقدمات آن یکی از این دو رشته را انتخاب کرده و ادامه می دادند. موبدان زرتشتی بر حسن انجام اخلاق پزشکی که بخشی از امور دینی محسوب می شد نظارت می کردند و رئیس پزشکان نیز فن طبابت را تحت مراقبت و کنترل داشت و در کمک به بینوایان امر می کرد. در بخش "وندادید" اوستا گفتارهایی در بابت ویژگیهای پزشکان آمده است. شرایط طبیب این بوده که اولاً کتب زیادی مطالعه کرده و در فن خود تجربه کافی داشته باشد. ثانیاً با صبر و حوصله به سخنان بیمار گوش فرا دهد و بیمار را با وجدانی بیدار معالجه کند و ثالثاً از خدا بترسد. در آئین زرتشت مهارت در درمان بیماران تنها معیار یک پزشک شایسته نبود بلکه شخصیت اخلاقی و دارا بودن وجدان در رتبه ای اولی تر قرار داشته است. زرتشتیان نسبت به اعمال خلاف چون سقط جنین، بارداری غیر مشروع و خطاهای پزشکی تعصب و حساسیت خاصی داشتند .

هرچند در عهد ساسانی اصول طب ایران کاملاً زرتشتی و مبتنی بر روایات اوستایی بود اما نفوذ طبابت یونانی نیز در آن مشهود می باشد. صفات یک طبیب شایسته در عصر ساسانی این بود که دانا بوده و نسبت به اعضا بدن و داروها شناخت کامل داشته باشد دنیا پرست نباشد و امراض را دقیق معاینه و معالجه نماید .

"کلیله و دمنه" که در زمان ساسانیان به وسیله برزویه طبیب به فارسی میانه ترجمه شده است در باب نخست خود برخی از صفات طبیب خوب را بر می شمرد از جمله چنین بیان می کند: "فاضل تر اطبا آن است که به معالجت از جهت ذخیره آخرت مواظبت نماید.

به صواب آن لایق تر که بر معالجت مواظبت نمایی و بدان التفات نکنی که مردمان قدر طبیب ندانند ."

اخلاق پزشکی پس از اسلام

ظهور اسلام تاثیرات زیادی بر پیشرفت علوم در کشورهای اسلامی و خصوصا ایران که خود مهد علم و تمدن بود گذشت. دانشمندان مسلمانی چون ابن سینا و زکریای رازی که منشا اثرات مهمی در تاریخ دانش محسوب می شوند از مفاخر ایران پس از اسلامی می باشند. تقریبا تمام پزشکان بزرگ مسلمان از علم الهیات اطلاع کامل داشته اند و آنهایی که تالیفاتی داشته اند هم در زمینه پزشکی بوده و هم در زمان فقه و اخلاق. در آغاز ظهور دین اسلام بسیاری از قبایل عرب توجهی به علوم و فنون نداشتند و معدودی از اعراب در کشورهای ایران طب آموخته بودند که معروفترین آنها دانش آموختگان مدرسه جندی شاپور بودند مانند: حارث بن کلهه طبیب زمان پیامبر گرامی اسلام) ص.

در زمان خلافت عباسی دانشجویان طب تحصیل خود را با کتاب های "فصول" بقراط "مسائل" حنین بن اسحاق و "المرشد" رازی آغاز و بالاخره به تحصیل کتاب های "ذخیره" ثابت بن قره حرانی و کتاب "المنصوری" رازی می پرداختند. آنگاه به تحصیل شانزده رساله جالینوس و "الحاوی" رازی و "قانون" ابن سینا مشغول می شدند که فهم آن هدف نهایی برنامه پزشکی بوده است. خلفای عباسی مقرر نموده بودند که دانشجویان پزشکی بعد از تعلیمات عملی و نظری رساله ای بنویسند و اگر مورد قبولی استاد واقع شد به کار طبابت بپردازند و پس از فراغت از تحصیل سوگند بقراطلی ادا کنند.

در کلیه متون معتبر پزشکی که از دوران شکوفایی علوم در تمدن اسلامی یعنی از اواخر قرن دوم هجری به بعد تالیف و تدوین شده است فصول درباره اخلاق پزشکی و ویژگیهای یک طبیب وجود دارد .

علی بن ربن طبری (۱۶۴ - ۲۴۷ ه.ق) که از اطبا نامدار مسلمان و استاد رازی بوده است کتابی تحت عنوان "فردوس الحکمه" در ۷ جلد دارد که جلد اول آن را به طرح برخی افکار فلسفی و مقولات اخلاقی در طب اختصاص داده است .

ابوبکر محمد بن زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ ه.ق) که از مفاخر بزرگ ایران اسلام است شدیداً به مبانی اخلاق پزشکی پایبند بوده است و جزواتی در زمینه مراعات اصول اخلاق پزشکی از او به جای مانده است. کتاب "طب روحانی" رازی نیز در موضوع اخلاق می باشد. رازی بنا به تایید مورخانی چون ابن الندیم، جرجی زیدان و گوستاولوبون با همکاران خود بسیار مهربان بوده است و به بیماران خود به ویژه فقرا تفقد می نموده از حالشان جویا بوده و به عیادتشان می رفته است و مقرری هایی برای آنها در نظر می گرفت. در کتاب بسیار معتبر "الحاوی فی الطب" و نیز رساله های "سرالطب" "محنه الطیب" و "خواص التلامیذ" اشارات رازی به اخلاق پزشکی و احترام به آیین و سنت پزشکی بخوبی نمایان است. از سخنان رازی است که: "طیب باید بیمارش را به بهبود و سلامت امیدوار گرداند ولو اینکه خود امیدی به بهبود بیمار نداشته باشد ."

علی بن مجوسی اهوازی (۳۱۸ - ۳۸۴ ه.ق) در اثر معروف خود "کامل الصناعه الطیبیه" یا "کتاب الملکی" بابی را به اخلاق پزشکان اختصاص داده است و اعتقادات خود و توصیه های سایر اساتید را به عنوان آیین پزشکی در "پندنامه اهوازی" گردآوری نموده است.

وی پندنامه ای را به نگارش درآورده است که از سوگندنامه بقراط جامع تر است و به نظر می رسد که اهوازی با توجه به تعالیم اسلامی اصولی را به آن افزوده است .

پند نامه پزشکی اهوازی

بنام خداوند بخشنده مهربان

"هرکه بخواهد پزشک دانشمندی گردد باید به پندهای بقراط حکیم که در زمان خود برای پزشکان گفته پیروی نماید. نخستین موعظت آن است که ستایش پروردگار و فرمانبرداری خداوند عزوجل را به جای آرند و پس از آن استادان خود را بزرگ دارند و در خدمت و سپاسگزاری و گرامی داشتن آنان همت گمارند. همچنان که در حق پدر و مادر خود احترام و نیکی می کنید و آنان را در دارایی خود شریک می دانید باید در حق استادان نیز چنان کنید. فرزندان استادان را نسبت به خود برادر بدانید و هر که بخواهد طب بیاموزد و استحقاق آن را داشته باشد بدون اجر و مزد و شرط و امید تلافی به آنها یاد دهید و آنان را به منزله فرزندان خود و معلمینتان بشمارید و از مردمان پست مانع شوید که این علم شریف را فرا گیرند. پزشک باید در درمان بیماران و حسن تدبیر و معالجه آنان چه با غذا و چه با دارو بکوشد و منظورش از درمان استفاده و پول پرستی نباشد و بیشتر اجر و ثواب را در مد نظر دارد هیچ گاه داروی خطرناک به بیمار ندهد و وصف آن را نیز به بیمار ننماید و مریض را به چنین داروهایی دلالت کند و نه از آن سخنی راند. از تجویز داروهای سقط کننده جنین پرهیز نماید و آنها را به احدی معرفی نکند. پزشکی باید پاک و با کیش و خداپرست و خوش زبان و نیکو روش باشد و از هر ناپاکی و پلیدی و گناه دوری جوید. نسبت به زنان چه بانو و چه کنیز از نظر بد نگاه نکند

و به منزل آنان جز برای درمان و معالجه وارد نشود. طبیب باید از بیماران راز بیماران را محفوظ دارد از افشا سر آنها به خودی و بیگانه و نزدیکان و دوران دوری جوید چراکه بسیاری از بیماران بیماری خود را از پدر و مادر و کسان خود و مستور و مکتوم می دارند ولی آن را به طبیب می گویند (مانند دردهای رحمی و بواسیر و امثال آنها) پس طبیب باید از خود بیمار در کتمان بیماری بیشتر دقت نماید. بر پزشک است که در جمیع احوال بر آنچه که بقراط حکیم فرموده رفتار نماید و رحیم و پاک چشم و مهربان و خیر رسان و خوش زبان باشد و در درمان بیماران به خصوص مسکینان و فقرا به جد کوشد. در فکر سود و اجر از این دسته نبوده بلکه اگر ممکن شود دارو را از کیسه خود بدان ها بدهد و اگر این کار ممکن نگردد به درمان آنها پرداخته شب و روز به بالینشان حاضر شود. مخصوصا اگر بیماری آنها حاد و تند باشد چرا که بیماریهای حاد زود تغییر و دگرگونی پیدا کنند. برای پزشک شایسته نیست به خوش گذرانی و تنعم و لهو و لعب مشغول باشد و ملول نگردد بلکه خود را مجبور نماید که هرچه می خواند یاد گیرد و حتی مطالب را در آمد و رفت متذکر شود و آنچه را که محتاج الیه است چه علما و چه عملا در ذهن خود فراگیرد تا همیشه محتاج به مراجعه کتاب نباشد. به علت آنکه گاهی اتفاق افتد کتاب را آفت رسد در این صورت به آنچه محفوظ دارد رجوع نماید. باید مطالب را در جوانی آموخت به دلیل آنکه نگاهداری و حفظ آنها در این موقع از پیری که مادر فراموشی است آسانتر می باشد. طالب علم طب باید پیوسته در بیمارستان ها و محل بیماران در خدمت استادان دانشمند و پزشکان حاذق به کارهای بیماران و احوال آنان پردازد تا در مصاحبت و خدمت این استادان و پزشکان زبردست از عوارض و احوال بیماران آنچه که خوانده است یادگرفته از نیکی و بدی فرجام بیماری ها آگاه شود اگر

چنین کند در این صنعت به مقامی بلند می رسد. بنابراین اگر کسی بخواهد طبیعی حاذق و فاضل باشد باید بدین دستورها رفتار کند و این پندها را در گوش داشته به صفات اخلاقی که ذکر شد خوی گیرد و در عمل کردن بدان ها سستی نوزد و کوچک نشمارد. اگر بدین رویه رفتار نمود درمانش در بیماران موثر خواهد گشت و مردم بد و اعتماد نموده و بدو خواهند گروید و او نیز به دوستی و ذکر خیر آنان نایل شده و از قبل مردم منتفع خواهد شد. خداوند متعال از همه داناتر است . "

کتاب "هدیه المتعلمین فی طب" تالیف ابوبکر ربیع ابن محمد احمد الاخوانی از شاگردان رازی که طبیب سرشناس و پرتجربه قرون چهارم و پنجم محسوب می شود نیز دارای مقدمه مفصلی حاوی بسیاری از نکات اخلاق پزشکی می باشد .

شیخ الرئیس ابوعلی حسین بن عبدالله سینا (۳۷۰ - ۴۲۷ ه.ق) ملقب به ابن سینا چهره سرشناس طب در اسلامی ایران و جهان است که آثار منسوب به او بیش از صد عنوان می باشد. از این میان ۱۶ کتاب او در مورد علم، طب است و در برخی از آنها رهنمودهای ارزنده ای درباره راه و رسم معلمی طبابت و طلبگی علوم آورده است.

کتاب های معروفی چون "مفتاح الطب و منهاج الطلاب" "ابوالفرح علی ابن الحسین ابن هندو" و "اخلاق ناصری" (خواجه نصیرالدین طوسی) نیز در حیطه اخلاق پزشکی مطالبی دارند. سیداسماعیل جرجانی(۴۳۴ - ۵۳۱ ه.ق) که از مردان نامدار تاریخ پزشکی ایران محسوب می شود نیز در کلیه کتب خود با نثری زیبا به نکته ها و قصه های آموزنده اخلاق پزشکی اشاره نموده است.

یکی دیگر از تالیفات ارزشمند پیرامون اخلاق پزشکی کتاب "ادب الطیب" اسحاق بن علی الرهاوی میباشد که شامل ۲۰ فصل است و توسط انجمن فلسفه امریکا در سال ۱۹۶۷ به انگلیسی ترجمه شده است.

تمام موارد فوق نشانگر ایناست که حکیمان و اندیشمندان این دیار در لابه لای مطالب پزشکی اشارات ارزشمندی به اخلاق پزشکی داشته و ارزش ویژه ای برای آنان قائل بوده اند. ارزش والای اخلاق نزد پزشکان در برخی نوشته ها و اشعار نویسندگان و شعرا این مرز و بوم نیز انعکاس یافته است. نظامی عروضی سمرقندی نویسنده و شاعر قرن ششم هجری قمری که خود پزشک بوده است مقاله چهارم از چهار مقاله خویش را به "علم طب و هدایت طیب" اختصاص داده است. نظامی چنین بیان می کند: "پس طیب باید که نیکو اعتقاد بود و امر و نهی شرع را معظم دارد. باید که رقیق الخلق حکیم النفس و جید الحدس باشد".

آنچه مسلم است این است که اندیشمندان و پزشکان ایرانی حتی در اوج شکوفایی دانش و پزشکی از اخلاقیات غافل نبوده اند و معتبرترین کتب اخلاقی در امر طبابت در زمانی نوشته شده است که بزرگترین دانشگاهها و مراکز علمی و غنی ترین کتابخانه ها را در اختیار داشته اند. هرچند در چند قرن اخیر درخشش اندیشمندان مسلمان در زمینه توسعه و بهره برداری از علوم و پزشکی به علل مختلفی به افول گذاشته اما به نظر می رسد با گسترش جامعه مسلمانان در سراسر جهان و توجه ویژه به طب اسلامی در سالیان اخیر بتوان پویایی و تلاش افزونتری را در حیطه طب جهان اسلام شاهد بود. در حال حاضر بسیاری از مراکز پزشکی اخلاق پزشکی را به شیوه نوین مورد توجه قرار

داده و مباحث جدید مطرح را جهت پاسخگویی به جامعه اسلامی با قوانین و فقه اسلامی
تطبیق نموده و راهکارهایی نشان داده اند .

باتوجه به فرهنگ غنی اسلامی که در قرون پیش توجه ویژه به تعلیم و تعلم را در پی
داشت مسلماً همانگونه که در فصول قبل نیز اشاره شد روز آمد نمودن دانش اخلاق
اسلامی و کاربردی نمودن آن در حیطه طبابت و موضوعات و مباحث جدیدی چون پیوند
عضو ، بیوتکنولوژی، ایدز و غیره یک ضرورت اساسی است .

منابع :

موازين اخلاق در پژوهشهای علوم پزشکی / دکتر يدالله فرهادی، دکتر علی رضا موسوی
جراحی، دکتر زهره حقيقي؛ پزشک و ملاحظات اخلاقی / دکتر باقر لاریجانی؛ پایگاه اطلاع
رسانی "مرکز مطالعات و تحقیقات اخلاق پزشکی" و "مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ
پزشکی".

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	اخلاق پزشکی
۱	مقدمه
۱	اخلاق در پزشکی
۲	جلوه گاه اخلاق در منظر پزشکی
۲	عواقب عدم مراعات جنبه های اخلاقی
۴	نگاهی به تاریخچه اخلاق پزشکی
۵	متن سوگند بقراط
۸	تاریخچه اخلاق پزشکی در ایران
۸	اخلاق پزشکی در ایران باستان
۱۰	اخلاق پزشکی پس از اسلام
۱۲	پند نامه پزشکی اهوازی
۱۷	منابع